

بررسی کارکرد شیطان انسی و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن کریم

مصطفی احمدی فر^۱ و محمد روح الله^۲

چکیده

قرآن کریم با معرفی شیاطین انسی پرده برمی‌دارد که با نفوذ در لایه‌های مختلف جامعه، مسیر حق و عدالت را منحرف می‌سازند. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین چالش‌ها و تهدیدهای ناشی از فعالیت این جریان در سه عرصه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است، جایی که با ابزارهای گوناگون از جمله نفاق، دروغ، وعده‌های فریبنده و جنگ نرم، ایمان و وحدت امت اسلامی را نشانه گرفته‌اند. ضرورت بحث در این است که عدم شناخت ماهیت و شیوه‌های نفوذ این جریان، سلامت، استقلال و هویت دینی جوامع اسلامی را در معرض تهدیدات جدی قرار می‌دهد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و آیات قرآنی به بررسی ابعاد مختلف حضور شیاطین انسی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این جریان در بُعد اجتماعی با دامن‌زدن به تفرقه و ناامیدی، در عرصه سیاسی با سیاست‌های فریبکارانه و وابسته‌سازی حکومت‌ها و در حوزه فرهنگی با ترویج فحشاء و شبهات اعتقادی، در پی تضعیف پایه‌های ایمان و اخلاق در جامعه است. در مواجهه با این چالش‌ها، قرآن کریم راهکارهای کلیدی همچون تقویت بصیرت دینی، حفظ وحدت اجتماعی، گزینش رهبران شایسته و احیای امر به معروف و نهی از منکر را ارائه می‌دهد. نتیجه نهایی این تحقیق حاکی از آن است که پیروزی بر جبهه شیاطین انسی تنها در گرو بازگشت به سبک زندگی توحیدی، بصیرت‌افزایی مستمر و مقاومت در برابر تبلیغات انحرافی امکان‌پذیر است. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی دقیق کارکردهای تخریبی شیاطین انسی و استخراج راهکارهای عملی-قرآنی برای مصون‌سازی جامعه اسلامی در برابر فتنه‌های معاصر است.

کلیدواژه‌ها: شیاطین انسی، نفاق، فتنه، بصیرت دینی

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم، شیطان را دشمن آشکار انسان معرفی می‌کند که همواره با وسوسه و فریب در پی گمراه‌سازی بندگان است. اما آنچه در این میان نیازمند تأملی عمیق‌تر است، فراتر رفتن مفهوم شیطان از موجودی نامرئی و تجلی آن در قالب شیاطین انسی است؛ انس‌هایی که در پوشش انسان‌های عادی، مأموریت شیطانی گمراهی جامعه را دنبال می‌کنند. قرآن کریم به روشنی از این گروه نام می‌برد و هشدار می‌دهد که آنان با سخنان فریبنده و ظاهری آراسته *زُخْرُفُ الْقَوْلِ*، حقایق را تحریف می‌کنند و مردم را از مسیر هدایت منحرف می‌سازند. این پدیده تنها یک چالش اخلاقی فردی نیست، بلکه بحرانی اجتماعی و سیاسی است که می‌تواند بنیادهای تمدن الهی را به مخاطره بیندازد. شیاطین انس، محصول انحرافی خطرناک در هویت انسان هستند؛ کسانی که به‌جای نقش‌آفرینی به‌عنوان خلیفه‌الله در زمین، به ابزاری در دست شیطان بدل شده‌اند، و گاه خطرشان از شیاطین جن نیز بیشتر است، چرا که در هیئتی انسانی و در لایه‌های مختلف جامعه نفوذ دارند. در این راستا، این مقاله بر آن است تا با کالبدشکافی ماهیت شیاطین انسی، آثار مخرب آنان را در سه عرصهٔ کلیدی اجتماع، سیاست و فرهنگ بررسی کند و راهکارهای قرآنی و عملی برای مصونیت جامعه در برابر این تهدید را تبیین نماید. در بُعد اجتماعی، تفرقه‌افکنی، ترویج بی‌عدالتی و تضعیف روحیهٔ مسئولیت‌پذیری از جمله اهداف شیطانی این گروه‌هاست. در عرصهٔ سیاسی، با استفاده از دروغ، فریب و نفوذ در ساختارهای حکمرانی، سعی در انحراف حکومت‌های دینی و ایجاد وابستگی به ابرقدرت‌های استکباری دارند. در حوزهٔ فرهنگ نیز با بهره‌گیری از ابزارهای نوین رسانه‌ای، به تهاجم علیه ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی می‌پردازند تا هویت اسلامی را دگرگون سازند. ضرورت این پژوهش از آنجا نشئت می‌گیرد که جوامع اسلامی امروز با هجمه‌ای سازمان‌یافته از سوی جریان‌های شیطانی در قالب انسان‌های به‌ظاهر عادی مواجهند؛ جریان‌هایی که در سایه‌ای از عرفیت، اهداف شوم خود را پیش می‌برند. لذا شناسایی مکانیسم‌های نفوذ آن‌ها و ارائهٔ راهبردهای مقابله، گامی ضروری برای حفظ ایمان و انسجام امت اسلامی است. این مقاله با نگاهی تحلیلی، به تبیین راهکارهای اساسی از جمله تقویت بصیرت دینی، حفظ وحدت اجتماعی، گزینش رهبران آگاه و تمسک به سبک زندگی اسلامی می‌پردازد تا جامعه بتواند در برابر این چالش بزرگ ایستادگی کند و در مسیر تعالی الهی ثابت‌قدم بماند.

واژهٔ شیطان

دربارهٔ واژهٔ شیطان در لغت، میان اهل زبان و مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ به‌ویژه در مورد ریشهٔ این واژه دو دیدگاه مطرح شده است:

دیدگاه نخست: واژهٔ شیطان از ریشهٔ «شَطَنَ - يَشْطُنُ» گرفته شده است؛ لذا حرف «ن» در شیطان اصلی بوده. لذا واژهٔ شیطان بر وزن «فَعِيَال» قرار دارد و اصل آن از فعل «شَطَنَ» می‌آید. الشَّطَنُ: الحَبْلُ، و قيل: الحَبْلُ الطويل الشديدُ القَتْلُ يُسْتَقَى به و تُشَدُّ به الحَبْلُ، و الجمعُ أَشْطَانُ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۳، ص. ۲۳۷).

«شَطْن» در لغت به معنای ریسمان است؛ اما هر ریسمانی را «شطن» نمی‌نامند، بلکه به ریسمانی گفته می‌شود که بسیار طولانی باشد و گاه برای بستن اسب با شدت از آن استفاده می‌کنند. واژه شیطان نیز از همین معنا گرفته شده است؛ برای کسانی که از خیر، خوبی و حق مانند دو سر ریسمان دور شده و دیگر امکان قرب به حق برایشان وجود ندارد. وقتی کسی از ارزش‌های جامعه فاصله می‌گیرد و از آن تبعیت نمی‌کند، همانند سر ریسمان دور می‌شود. چنین فردی را «شاطن» و اگر فاصله‌اش بسیار زیاد باشد «شیطان» می‌نامند. از همین‌جا معنای «خبیث» نیز برای واژه شیطان پدید آمده است. فی النهاية: إن جعلت نون الشيطان أصلية كان من الشَّطْنِ البُعْدُ أَى بَعْدَ عن الخير أو من الحبل الطويل كأنه طال في الشر (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۳، ص. ۲۳۹). در لسان‌العرب، به نقل از کتاب‌النهاية، همین مطلب را درباره واژه شیطان ذکر کرده است که اگر این واژه از «شَطْن» گرفته شده باشد، معنای آن بعید و دور شدن خواهد بود؛ یعنی دور شدن از خیر. همچنین «شطن» به معنای حبل و ریسمان طویل و بزرگ آمده است؛ گویی کسی که در شر طولانی و گسترده پرورش یافته باشد. البته صاحب‌النهاية از این لغت تنها یک جهت را استخراج کرده است.

دیدگاه دوم: کلمه شیطان از ریشه «شَطَط» مأخوذ شده است؛ در نتیجه، حرف «ن» در شیطان زاید بوده. بر اساس این نظر، واژه شیطان از فعل «شَطَط - يَشِيطُ» گرفته شده است. راغب اصفهانی نیز در آثار خود به این معنا اشاره کرده است. و نیز گفته‌اند حرف ن در شیطان زیادی است و ریشه آن، شاط يشيط، یعنی از خشم سوخت، گرفته شده، پس شیطان، مخلوطی است از آتش (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲، ج. ۲، ص. ۳۲۶). در واقع، قول دوم توسط محققان لغوی رد شده و همان قول نخست مورد پذیرش قرار گرفته است.

تعریف شیطان انسی

مراد از شیطان انسی همان انسان‌هایی هستند که هم خود آن‌ها به سبب سرپیچی از دستورات الهی منحرف و گمراه شدند و هم در صدد به انحراف کشاندن دیگران هستند. روح انسانی را خداوند بالقوه خلق فرموده است. وقتی انسان، روح خودش را در مسیر انسانیت قرار ندهد، روحش در مسیر غیرانسانی قرار می‌گیرد، یک‌شکل و صورتی که به روح انسانی حاصل می‌شود، شیطان است. انسان بالفعل تبدیل به شیطان می‌شود. حقیقت وجوده‌اش تبدیل به شیطان می‌شود؛ لذا این شکل ظاهری‌اش انسانی هست؛ ولی روحش تبدیل به شیطان شده است (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج. ۲، ص. ۲۸۹). امام خمینی (ره) هم درباره شیطان انسی چنین می‌فرماید: اگر خدا فرمود که فلان عمل را بکن و شما تخلف کردید، این تخلف از شیطان است؛ به همین مقدار از بین می‌رود. یک‌وقت می‌بیند که انسان تا آخر همه کارهایش لله نبوده است، همه کارهایش برای شیطان بوده است: یک انسان در صورت، یک شیطان در واقع. آنجا هم که برود به صورت شیطان درمی‌آید (خمینی، ۱۳۸۹، ج. ۶، ص. ۲۸۸). رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: همه‌جا هم با این تذکر و تأکید که مخاطب قرآن بفهمد باید از شیطان اجتناب کند؛ و این، غیر از آن است که درباره کلمه ابلیس آمده است؛ چون معنای شیطان در قرآن با معنای ابلیس متفاوت است؛ شیطان یک معنای عمومی‌تر است؛ ابلیس،



یک شیطان از شیطان‌هاست و انواع شیطان‌ها و شیطنت‌ها، برای بشر و در سر راه او وجود دارد. یکی از آن شیطان‌ها ابلیس است که ماجرای او جداگانه (خامنه‌ای، ج. ۱۵، ص. ۳). شیطان انسی همان انسان‌هایی هستند که روح و ماهیتشان به شیطان تبدیل شده است و دیگران را از مسیر حق دور می‌سازند. این افراد در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقش‌آفرینی کرده و با وسوسه‌گری، فریبکاری و ایجاد انحراف، جامعه را از ارزش‌های الهی فاصله می‌دهند.

کارکرد اجتماعی شیطان انسی

ایجاد اختلاف و تفرقه‌افکنی در جامعه

یکی از مهم‌ترین کارهای شیطان انسی ایجاد اختلاف میان انسان‌ها، به‌ویژه بین مؤمنین است. شیطان انسی برای ایجاد اختلاف میان انسان‌ها از هر ابزاری بهره می‌گیرد. قرآن کریم نیز یکی از ابزارهای او را شراب‌نوشی و قمار معرفی کرده است. البته این تنها یک بُعد از فعالیت اوست؛ زیرا شیطان ابزارهای بسیاری را برای ایجاد تفرقه و فساد در میان مردم به کار می‌برد. *إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...* (مائده: ۹۱). شیطان تصمیم دارد که به‌وسیله شراب و قمار بین شما دشمنی و نفرت بیندازد.

تشویق به نفاق و دورویی

یکی از کارهای شیطان انسی ایجاد نفاق است؛ زیرا یکی از مصادیق روشن شیطان، منافقان‌اند که ظاهرشان نیکوست، اما در دل چیزی دیگر دارند. هدف اصلی آنان دور ساختن انسان‌ها از راه راست است. به همین سبب، کارشان گسترش نفاق در جامعه است. هنگامی که نفاق در میان مردم پدید آید، اعتماد از بین می‌رود و هرکس از دیگری فاصله می‌گیرد. قرآن کریم کارکرد منافقان، که مصداقی از شیاطین انسی هستند، را دوری از حق بیان کرده است؛ و کار شیطان نیز همین است: دور ساختن انسان از حقیقت و کشاندن او به باطل. *وَلَا يَصُدُّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ* (زخرف: ۶۲). و شیطان شما را از راه راست باز ندارد، بی‌ترید او برای شما دشمنی آشکار است.

گسترش بی‌عدالتی اجتماعی

یکی دیگر از کارهای مهم شیاطین انسی در جامعه، گسترش ظلم و بی‌عدالتی است. می‌کوشند عدالت را از میان بردارند و ظلم را امری طبیعی و عادی جلوه دهند. آنان نمی‌خواهند جامعه بر پایه برابری و انصاف بنا شود؛ زیرا در چنین جامعه‌ای جایی برای فریب، سوءاستفاده و استثمار باقی نمی‌ماند. به همین دلیل، این افراد با بهره‌گیری از قدرت، ثروت یا نفوذ رسانه‌ای، مردم را فریب می‌دهند و افکار آنان را به‌گونه‌ای شکل می‌دهند که تبعیض، نابرابری و فساد را امری طبیعی و همیشگی بپندارند. در حقیقت، تلاش آنان این است که ذهن مردم نسبت به عدالت ضعیف و بی‌تفاوت شود تا کسی در پی حق و حقیقت نباشد. قرآن کریم قرآن کریم داستان فرعون، این شیطان بزرگ، را بیان کرده است؛ اینکه چگونه بر مردم ظلم می‌کرد و چگونه اجتماع آنان

را با ستم پاره‌پاره می‌ساخت. إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذِخُّ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص: ۸۸). همانا فرعون در آن سرزمین، مصر، برتری جست و مردمش را گروه‌گروه ساخت. گروهی از آنان بنی اسرائیل را زبون و ناتوان می‌گرفت، پسرانشان را سر می‌برید و زانشان را [برای خدمت] زنده می‌گذاشت. همانا او از تباه‌کاران بود.

وسوسه به ترک امر به معروف و نهی از منکر

منافق سبب می‌شود فریضه امر به معروف و نهی از منکر در میان جامعه ضعیف گردد. چنین اشخاصی، بی‌صدا اما مؤثر، این فریضه الهی را تضعیف می‌کنند. قرآن کریم یکی از کارکردهای منافقان، که همان مصداق شیاطین انسی هستند، را همین تضعیف امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده است. الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (توبه: ۶۸). مردان و زنان منافق طرف‌دار یکدیگرند. امر به بدی‌ها می‌کنند و نهی از خوبی‌ها می‌نمایند و دست‌هایشان را می‌بندند، و چون خدا را فراموش کردند، خدا نیز آن‌ها را فراموش کرد که منافقین همان فاسقین هستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در تفسیر همین آیه فرموده‌اند که یکی از مهم‌ترین اهداف دشمنان، تضعیف فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است؛ زیرا اگر این فریضه ضعیف شود، راه برای گسترش فساد و بی‌عدالتی هموار خواهد شد. معنای یَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ این است که منافقان به منکر عقلی و شرعی، به هر دوی آن امر می‌کنند. کار منافق این است که افراد خارج از زندگی خود، و مؤمنان را به منکرات امر می‌کند؛ مثلاً خودش که حيله‌گر است، دیگران را هم به آن، امر می‌کند؛ خودش که مؤمن نیست، دیگران را هم به بی‌ایمانی امر می‌کند؛ خودش که به‌ناحق به پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) و اصحاب او فحاشی می‌کند، دیگران را هم به آن امر می‌کند. توصیه به دروغ‌گویی و دورویی برای پیشبرد کارها نیز از جمله امر به منکر منافق است. هر جا این صفات باشد منافق هم هست (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص. ۸۸). یعنی مهم‌ترین کار منافق از معروفات دور کردن و سوق دادن به سوی منکر است.

وسوسه به ترک مسئولیت‌های اجتماعی

شیطان انسی به‌عنوان دشمنی آشکار در قالب انسان، با بهره‌گیری از نفوذ اجتماعی، فریب کلام و قدرت القاء، می‌کوشد تا افراد را نسبت به انجام وظایف اجتماعی خود دچار تردید، سستی و بی‌تفاوتی کند. او با ترویج فردگرایی افراطی، عادی‌سازی بی‌مسئولیتی، ایجاد یأس از تأثیرگذاری و توجیه گناه با شعارهای فریبنده، بسترهای ترک مسئولیت را در جامعه فراهم می‌سازد. این نوشتار با تکیه بر آیات قرآن کریم، به بررسی سازوکارها، اهداف و پیامدهای وسوسه‌های شیطان انسی در رهاسازی مسئولیت‌های اجتماعی می‌پردازد و راهکارهای قرآنی مقابله با این هجوم فکری و اخلاقی را تبیین می‌کند.

قرآن کریم با بیانی مطلق و فراگیر، یکی از ابزارهای اصلی شیطان را تخویف و ترساندن انسان‌ها معرفی می‌کند: إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۷۵). این آیه



نشان می‌دهد که شیطان، چه از نوع جنی و چه انسی، همواره در پی ترساندن دوستان و هم‌پیمانان خود است تا آنان را از حرکت بازدارد. این تخویف، محدود به عرصه خاص نیست؛ بلکه هر عمل نیک، خواه فردی یا اجتماعی، در معرض این حمله روانی قرار دارد. در حوزه وظایف اجتماعی، این ترس افکنی نمودهای آشکاری دارد. شیطان با القای ترس از توهین شدن، از دست دادن موقعیت اجتماعی یا ایجاد دشمنی، فرد را از انجام این فریضه بازمی‌دارد. با ترساندن از فقر و کم‌شدن دارایی، انسان را از بخشش و کمک مالی منصرف می‌سازد.

کارکرد سیاسی شیطان انسی

سیاست فریبکارانه

شیطان انسی کار اصلی آنان فریب‌دادن مردم و ایجاد انحراف در مسیر حق است. شیطان انسی با سیاست‌های فریبکارانه و تبلیغات ظاهراً درست، جامعه را به سوی اختلاف، بی‌اعتمادی و گمراهی سوق می‌دهد. در قرآن کریم، کارکرد اصلی شیطان به‌طور مطلق فریب و غرور معرفی شده است؛ یعنی تلاش برای پوشاندن حقیقت و کشاندن انسان به مسیر باطل. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (انعام: ۱۱۲). این افراد در ظاهر سخنانی زیبا و جذاب بر زبان می‌آورند، اما در باطن، محتوای آن سخنان زشت و گمراه‌کننده است. در حقیقت، وحی شیطانی نوعی نقشه مخفی و برنامه پنهان برای فریب مردم و ایجاد فساد است؛ راهی که شیاطین انسی با سیاست‌های فریبکارانه و سخنان ظاهراً دلنشین، اما در واقع خطرناک، جامعه را به سوی انحراف و دشمنی سوق می‌دهند. پس وحی شیطانی همان زمزمه‌ها و نقشه‌های پنهانی است که ظاهرشان زیبا جلوه می‌کند، اما حقیقتشان چیزی جز فریب و فساد نیست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۶، ص. ۱۹۱).

پروپاگاندا و تبلیغات منفی

یکی از فعالیت‌های اساسی شیطان انسی، پروپاگاندا سازی است. پروپاگاندا به معنای تبلیغات منفی است. پروپاگاندا نوعی ارتباط سازمان‌یافته است که در آن اطلاعات هماهنگ و جهت‌دار برای بسیج افکار عمومی از طریق تبلیغات، پخش و انتشار داده می‌شود. هدف آن، تغییر نگرش‌ها و باورهای مردم و سوق دادن جامعه به سمت انحراف و فساد است (BBC News, 2020/06/10). در قرآن کریم این جنبه را بیان کرده است. «وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْهُمْ بَصُوتِكَ وَاجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (اسراء: ۶۴). از آنان هرکس را می‌توانی با آوایت تحریک کن؛ و بر آنان با سوارانت و پیادگانت، [با فریاد] بتاز؛ و در اموال و فرزندان، با آنان شریک شو؛ و آنان را وعده ده، درحالی‌که شیطان جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد.

تخویف

شیطان یکی از ابزارهای سیاست شیطانی همین سیاست تخویف است؛ برای آنکه بر مردم حکومت کنند و آنان را مطیع خود سازند، ترس را بر جامعه تحمیل می‌کنند. نمونه روشن آن، شیطان بزرگ (آمریکا) است که بر پایه ترس توانسته بر جهان سلطه یابد و با ایجاد هراس، مردم را بر دوش خود سوار کند. حکومت شیطانی و سیاست شیطانی قرار دارد که اساسش ترس است. قرآن همین نکته را بیان می‌کند که شیطان با ارباب و ترس می‌خواهد فعالیت کند. «إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۷۵). این آیه درباره غزوه حمران الاسد است که دشمنان می‌خواستند مسلمانان را بترسانند. قرآن می‌گوید این کار عمل شیطانی است و فقط بر دوستان شیطان اثر می‌گذارد؛ مؤمنان واقعی نباید از غیر خدا بترسند، چون نشانه ضعف ایمان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۱۷۸).

ترویج فساد اخلاقی

یکی از روش‌های شیطان این است که گناه را زیبا و کوچک جلوه می‌دهد تا مردم راحت‌تر به آن کشیده شوند. نمونه‌های این فساد شامل شراب‌خواری، قمار، سحر، دشمنی و نزاع، و همچنین فساد مالی مانند رباخواری است. فساد اخلاقی تنها یک انحراف فردی نیست، بلکه ابزاری برای سلطه سیاسی نیز به شمار می‌رود. هنگامی که جامعه سرگرم شهوات و لذت‌های مادی شود، قدرت معنوی و توان مقابله با ظلم سیاسی را از دست می‌دهد. بی‌اخلاقی همچنین موجب تضعیف نهادهای دینی و فرهنگی می‌شود و ارزش‌های جامعه فرو می‌ریزد. «لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نور: ۲۱). فحشا یا الفاحشه در زبان قرآن و عربی به هر کار بسیار زشت و ناپسند اطلاق می‌شود. این واژه غالباً برای گناهان بزرگ اخلاقی مانند زنا به کار می‌رود، اما معنای آن محدود به زنا نیست؛ بلکه هر عمل قبیح و خلاف ارزش‌های الهی و انسانی را دربرمی‌گیرد. هر رفتاری که عقل و دین آن را ناپسند و شرم‌آور بدانند، در دایره فحشا قرار می‌گیرد (حمیری، ۱۹۹۹، ج. ۸، ص. ۵۱۱۳).

ایجاد اختلاف

یکی از مهم‌ترین ابزار شیطان سیاسی ایجاد اختلاف است. «إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالبُغْضَاءَ فِي الأَحْمَرِ وَالأَسْوَءِ وَيُضِلُّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ» (مائده: ۹۱). در تفسیر المیزان در ذیل این آیه، هدف شیطان را ایجاد اختلاف بیان کرده است: «چرا قرآن شراب و قمار را عمل شیطان معرفی کرده است؟ معنایش این است که شیطان از این کارها هدفی جز ایجاد دشمنی، کینه و دورکردن انسان‌ها از یاد خدا و نماز ندارد. شراب عقل را تخدیر می‌کند و اعصاب را تحریک، و همین باعث می‌شود انسان در حالت خشم یا شهوت کارهایی بکند که حتی حیوانات درنده هم از آن شرم دارند؛ از جنایت و رسوایی گرفته تا خیانت و هتک حرمت. این مفاسد شاید در نگاه ساده‌لوحان کم‌اهمیت جلوه کند، اما اگر جلوی آن گرفته نشود، به تدریج جامعه را به آشوب و بی‌نظمی می‌کشاند و تنها هوس‌ها و وسوسه‌ها بر آن حاکم می‌شوند. در



پایان، قرآن با تعبیر «انما» روشن می‌کند که همه این کارها: شراب، قمار، بت‌پرستی و فال‌گیری در مجموع وسیله شیطان برای دشمنی و دوری از خدا هستند، اما دشمنی و کینه بیشتر در شراب و قمار آشکار است» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج. ۶، ص. ۱۸۰).

کارکرد فرهنگی شیطان انسی

ترویج فساد و بی‌اخلاقی در جامعه

یکی از راه‌هایی که شیطان برای گمراه کردن انسان‌ها به کار می‌گیرد، ترویج فساد و بی‌اخلاقی در میان مردم است. او این کار را اغلب به آرامی و با فریب انجام می‌دهد. شیطان زشتی‌ها را در چشم افراد زیبا و جذاب جلوه می‌دهد تا آنان را به انجام کارهای نادرست تشویق کند. وقتی شمار زیادی از مردم به کارهای زشت روی می‌آورند، این رفتارها به تدریج در جامعه عادی و معمولی جلوه می‌کند. در نتیجه، ارزش‌های نیک و مرزهای اخلاقی کم‌کم کم‌رنگ می‌شوند و جامعه از درون سست و بیمار می‌گردد. «الْشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمْ أَلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَسِعَ عِلْمُهُ» (بقره: ۲۶۸). شیطان می‌خواهد فرهنگ جامعه بر پایه فحشا و منکرات بنا شود. در واقع، شیاطین انسی به خاطر تفکر کافرانه یا فساد اخلاقی می‌کوشند دیگران را نیز به فساد بکشانند؛ گاه برای منافع شخصی و گاه به خاطر اغراض دیگر.

تحریک به ظلم و ستم

شیاطین انسی برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی و اقتصادی خود، نیازمند جامعه‌ای هستند که در آن ظلم و بی‌عدالتی عادی و پذیرفته شده باشد. چرا؟ زیرا در جامعه‌ای عدالت‌محور، حق هرکس به او می‌رسد، قانون به نفع قدرتمندان کج نمی‌شود و ثروت و قدرت تنها در دست گروهی خاص جمع نمی‌گردد. در چنین جامعه‌ای، جایگاهی برای ظالمان و شیادان باقی نمی‌ماند. قرآن کریم به صورت مطلق بیان کرده است که کارکرد شیطان، ترویج مطلق منکرات است؛ یعنی هر آنچه جامعه را از مسیر حق و عدالت دور کند، در دایره فعالیت شیطان قرار می‌گیرد (طبرسی، ۱۳۶۷، ج. ۱۷، ص. ۱۱۷). چون ظلم هم یکی از مصادیق منکر بلکه بزرگ‌ترین منکرات است (طیب، ۱۳۷۸، ج. ۹، ص. ۵۰۸)، پس این هم شامل آیه می‌شود. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۲۱).

تشویق به افراط و تفریط در دین

هدف نهایی شیطان این است که انسان را از راه درست و معتدل که خداوند نشان داده، منحرف کند. او برای این کار از روش‌های خطرناک استفاده می‌کند. یکی از مهم‌ترین این روش‌ها، تشویق مردم به دو حالت نادرست در دین است: افراط و تفریط. شیطان می‌داند اگر دین به شکل متعادل و صحیح اجرا شود، همچون قلعه‌ای محکم در برابر او خواهد بود. بنابراین، به جای حمله مستقیم، تلاش می‌کند این قلعه را از درون ویران

سازد. یا مردم را به سمت بی‌دینی و سهل‌گیری می‌کشاند، یا برعکس، آنان را گرفتار زیاده‌روی در دین می‌کند. او مردم را وسوسه می‌کند که دین را ساده بگیرند، گناه را کوچک بشمارند و دین را تنها به چند عمل ظاهری مانند نماز و روزه محدود کنند. در این حالت، دین از زندگی روزمره و اخلاق اجتماعی جدا می‌شود و به مجموعه‌ای از عادات خشک و بی‌روح تبدیل می‌گردد. در نتیجه، دین اثر واقعی خود را از دست داده و به حاشیه رانده می‌شود. از سوی دیگر، شیطان کاری می‌کند که مردم برای خود قوانین سخت و غیرواقعی وضع کنند؛ چیزهایی را حرام بشمارند که خداوند حرام نکرده است، یا افراد مقدس را آن‌قدر بزرگ کنند که جای خدا را بگیرند. این رفتار، چهره‌ای خشن، غیرمنطقی و سخت از دین نشان می‌دهد. غلو در اندیشه دینی مانند نسبت‌های نادرست به خدا یا باورهای عجیب درباره قیامت، غلو در عمل دینی مانند عبادت‌های سخت و خسته‌کننده که در دین نیامده، و غلو در بزرگان دینی مانند بالا بردن مقام یک انسان خوب تا حد خدایی و از بین بردن مرز میان احترام و عبادت، همه نمونه‌های این انحراف‌اند. قرآن کریم، امت اسلامی را امت وسط معرفی کرده است؛ یعنی امتی که در هیچ زمینه‌ای افراط و تفریط ندارد، بلکه در همه عرصه‌های زندگی، هدایت معتدل و متوازن را دنبال می‌کند. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳). همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط)؛ تا بر مردم گواه باشید.

تحریک به تعصب کورکورانه

تعصب کورکورانه یعنی فرد چشم‌بسته و بدون اندیشه، تنها از یک گروه یا یک فکر خاص پیروی کند و هیچ سخن یا دلیل دیگری را نپذیرد. شیطان از این حالت بسیار خشنود می‌شود؛ زیرا وقتی انسان عقل خود را کنار بگذارد و کورکورانه پیروی کند، همچون فردی کور و کر راه درست را گم می‌کند. در این شرایط، دشمنی و تفرقه میان مردم پدید می‌آید و حق از باطل تشخیص داده نمی‌شود. تعصب کورکورانه یعنی انسان بدون تفکر کاری را انجام دهد یا نظریه‌ای را بی‌تأمل بپذیرد. امام علی (ع) در خطبه قاصعه، داستان سجده نکردن ابلیس بر آدم را به‌عنوان الگوی تعصب و تکبر معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: ابلیس به‌خاطر نژاد و اصل خود (آتش) تعصب ورزید و بر آدم (که از خاک آفریده شده بود) تکبر کرد و گفت: «من از آتشم و تو از خاکی»؛ به همین دلیل از فرمان خدا سرپیچی نمود. این رفتار ابلیس، اساس و الگوی همه تعصب‌ها و تکبرهای بعدی در تاریخ بشر شد. هرکس پس از او، بر پایه نژاد، قوم، خانواده یا حتی علم و مقام خود بر دیگران برتری جوید و حق آنان را نادیده بگیرد، در حقیقت از راه ابلیس پیروی کرده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲). تعصب و تکبر، انسان را از اطاعت فرمان الهی و احترام به حقوق دیگران بازمی‌دارد و سرانجام، همانند ابلیس، او را به «دشمن خدا» تبدیل می‌کند. در قرآن کریم نیز درباره انسان‌های متعصب آمده است که آنان در برابر دین، لجاجت می‌ورزند و حقیقت را نمی‌پذیرند. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانِ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ» (لقمان: ۲۱).



ایجاد بدبینی نسبت به مؤمن

همان‌گونه که در مباحث گذشته بیان شد، یکی از مهم‌ترین اهداف شیطان ایجاد اختلاف و فاصله میان مؤمنان است. شیطان، خواه انسی باشد یا جنی، هر دو این کار را انجام می‌دهند. یکی از ابزارهای اصلی او برای رسیدن به این هدف، القای بدبینی و سوءظن نسبت به یکدیگر است. شیطان می‌کوشد با تلقین افکار منفی، اعتماد و محبت را از دل‌ها بیرون کند و به‌جای آن، کینه و فاصله بنشاند. قرآن کریم نیز در داستان ابلیس و حضرت آدم (ع)، کارکرد شیطان را به‌روشنی بیان کرده و نشان داده است که او همواره در پی وسوسه، جدایی و دشمنی میان انسان‌هاست. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَتَيْهِمَا وَقَالَ مَا نَهَيْكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (اعراف: ۲۰). وسوسه در لغت به‌معنای دعوت کردن به امری است به آهستگی و پنهانی (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج. ۸، ص. ۳۹). فخر رازی درباره این واژه این می‌گوید: «در زبان عربی، وسوسه مانند نجوای تکراری و پنهانی است که در ذهن یا گوش فرد زمزمه می‌شود. پس وقتی می‌گوییم "فلان شخص مُوسَّوس است"، یعنی افکار منفی و وسوسه‌انگیز به سراغ او می‌آید و وقتی می‌گوییم "مُوسَّس إِلَيْهِ"، یعنی کس یا نیرویی این افکار را به او تلقین می‌کند» (رازی، ۱۹۹۹، ج. ۱۴، ص. ۲۱۷).

تحریک به دشمنی

یکی از کارکرد شیطانی دیگران را به‌سوی کینه، عداوت و جدایی سوق می‌دهد. این افراد ممکن است در قالب همکار، همسایه، آشنا یا حتی فردی با ظاهر موجه ظاهر شوند، اما هدف اصلی آنان تضعیف پیوندهای اعتماد و یکدلی در جامعه است. شیاطین انسی از جنبه فرهنگی می‌کوشند عناصر ناسالمی را در فرهنگ جامعه جا بیندازند؛ عناصری که موجب دشمنی نسل‌ها می‌شود. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» (مائده: ۹۱).

ترویج فرهنگ بی‌حیایی

قرآن کریم به ما هشدار می‌دهد که شیطان برنامه‌ای هدفمند برای گمراه کردن انسان دارد و یکی از مهم‌ترین برنامه‌های او، ایجاد فرهنگ بی‌حیایی در جامعه است. «إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ...» (بقره: ۱۶۹). بنابراین همه کارهای ناپسند و منکرات روشن را شامل می‌شود (شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۵۷۰). بزرگ‌ترین مصداق فحشا، بی‌حیایی است.

راهکارهای مقابله با شیطان انسی

وحدت و همبستگی اجتماعی

یکی از راه‌های بنیادین مقابله با شیاطین انسی تحکیم وحدت و همبستگی اجتماعی است. قرآن کریم در آیات متعددی بر اهمیت این اصل تأکید کرده: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

إِذْ كُنْتُمْ أَغْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» (آل عمران: ۱۰۳). همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید، نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس [خدا] میان دل‌های شما آلفت (دوستی) انداخت تا با عنایت او برادران [دینی] هم شدید و کنار پرتگاهی از آتش بودید، پس [خدا] شما را از آن رها کنید [و] این گونه خدا نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که هدایت شوید.

امربه معروف و نهی از منکر

شیطان انسی با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته می‌کوشد معروف را منکر و منکر را معروف جلوه دهد. در برابر چنین تهاجمی، انسان مبارز باید در میدان دفاع از معروفات ایستادگی کند. در واقع، امر به معروف و نهی از منکر زمینه حفظ معروفات در ذهن و جان جامعه را فراهم می‌سازد. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴). باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند، به معروف فرمان دهند و از منکر بازدارند.

رعایت عدالت اجتماعی

برای بستن راه نفوذ شیطان انسی، باید عدالت اجتماعی در جامعه برقرار شود. در جامعه معتدل، امکان نفوذ شیطان بسیار کمتر می‌شود. برقراری عدالت اجتماعی یک حکم قرآنی نیز هست؛ چنان‌که قرآن کریم بارها بر اقامه قسط و عدل در میان مردم تأکید کرده و آن را وظیفه اساسی امت مؤمنان دانسته است. «ان اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). خداوند به انجام کار عادلانه و احسان فرمان می‌دهد.

پرهیز از دوستی با دشمنان آشکار دین

پس از شناخت شیطان، نخستین وظیفه انسان این است که با او دشمنی و عداوت داشته باشد. هنگامی که به‌طور مصداقی دریافتیم فرد یا گروهی در شمار «حزب الشیطان» قرار دارد، باید با آنان دشمنی کنیم؛ زیرا شیطان، دشمن آشکار انسان است و قرآن کریم نیز بارها بر این حقیقت تأکید کرده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر: ۶). بی‌تردید شیطان، دشمن شماست، پس او را دشمن خود بگیرید. شیطان دشمن است.

جلوگیری از نفوذ دشمنان در ساختار سیاسی

دشمنان جوامع اسلامی در طول تاریخ بیش از هر چیز از راه نفوذ تلاش کرده‌اند ضربه بزنند. هدف اصلی آنان این است که مسلمانان را از دین و هویتشان جدا سازند. تا زمانی که مسلمانان پایبند به ایمان و فرهنگ خود باشند، دشمنان آرام نمی‌گیرند؛ دشمن در وهله نخست سراغ حکومت می‌رود تا مسیر تصمیم‌گیری کشور را تغییر دهد، و سپس سراغ مردم می‌آید تا ایمان و فرهنگشان را دگرگون کند. هدف نهایی این است که جامعه اسلامی از درون تهی شود و دیگر توان مقاومت نداشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰). قرآن مجید هم این مطلب را با صراحت بیان کرده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي



وَأَبْتَغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (ممتحنه: ۱).

تقویت بصیرت سیاسی در جامعه

در جهانی که پیچیدگی‌های سیاسی هر روز بیشتر می‌شود و شیاطین سیاسی با نقشه‌های پیچیده به دنبال انحراف افکار عمومی هستند، یکی از ضروری‌ترین نیازهای هر جامعه، بصیرت سیاسی است. بصیرت یعنی انسان در رویدادهای اطراف خود و اتفاقاتی که با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، عمیق‌تر بیندیشد و از سطح ساده و ظاهری عبور کند. همان‌طور که امام علی (ع) فرموده‌اند: «خدا رحمت کند کسی را که اندیشید و عبرت گرفت» یعنی با تفکر و سنجیدن دقیق مسائل می‌توان به بینش رسید و حقایق را مشاهده کرد. وقتی انسان حوادث را با دقت می‌نگرد، در آن‌ها تدبیر می‌کند و خوب می‌سنجد، این کار برایش بینایی و آگاهی می‌آورد و چشمانش را به روی واقعیت باز می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴).

ترویج فرهنگ توحید و ایمان

نخستین راه مقابله با شیطان، پناه بردن به خداوند و نظام الهی است. برای حرکت به‌سوی این پناهگاه الهی، باید ایمان جامعه و مردم استوار و قوی باشد. هنگامی که شیطان می‌کوشد انسان را به ناامیدی بکشاند، تنها ایمان راسخ است که مانع سقوط می‌شود. بنابراین، در برابر تهاجم فرهنگی شیاطین باید فرهنگ باور به خدا در جامعه تقویت شود. «وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف: ۲۰۰). و چنانچه بخواهد از طرف شیطان (انس و جن) در تو وسوسه و جنبشی پدید آید به خدا پناه بر که او به حقیقت شنوا و داناست. چون اهل تقوا را از شیطان وسوسه و خیالی به دل فرارسد همان دم خدا را به یاد آرند و همان لحظه بصیرت و بینایی پیدا کنند. یعنی وقتی شیطان می‌خواهد مداخله کند و با رفتار ناآگاهانه دیگران، تو را عصبانی کرده و به انتقام وادارد (قمی، ۱۳۶۳، ج. ۱، ص. ۲۵۳)، به خدا پناه ببر؛ زیرا او همان خداوند شنوا و داناست (بحرانی، ۱۴۱۵، ج. ۲، ص. ۶۲۵).

مقابله با شبهات فرهنگی و فکری

در قرآن کریم موارد متعددی وجود دارد که شبهه‌های گوناگون بیان شده و سپس پاسخ روشن آن‌ها ارائه گردیده است. قرآن هیچ شبهه‌ای را بی‌پاسخ نگذاشته و این خود الگویی است برای ایستادگی در برابر شبهه‌افکنی شیاطین و نجات مردم از دام فریب. همان‌گونه که در واقعهٔ اِفْک (سلطان، ۱۹۸۸، ج. ۳، ص. ۱۱۰)، شیاطین قصد داشتند به اسلام و رسول‌الله (ص) ضربه بزنند (سیوطی، ۱۴۱۴، ج. ۵، ص. ۲۴)، خداوند متعال جبهه گرفت و از ساحت پیامبر دفاع کرد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج. ۳، ص. ۲۱۷). «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۱). این آیات مربوط به داستان اِفْک الگویی کلیدی برای رویارویی جامعه

اسلامی با جنگ روانی و شبهه‌افکنی دشمنان ارائه می‌دهد. در برابر تهمت و تخریب، با قاطعیت و سختی برخورد شد و این فتنه در نطفه خفه گردید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که بر اساس آیات قرآن کریم، خطر «شیاطین انسی» برای جامعه اسلامی بسیار جدی است. این افراد با ظاهر انسانی اما با باطن شیطانی، در سه بخش به جامعه آسیب می‌زنند. در بخش اجتماعی، آن‌ها با ایجاد تفرقه و نفاق، اتحاد مسلمانان را از بین می‌برند. در بخش سیاسی، با استفاده از دروغ و فریب، سعی می‌کنند قدرت را به دست بگیرند و جامعه را به بیگانگان وابسته کنند. در بخش فرهنگی نیز، با ترویج فساد و شبهه‌افکنی، تلاش می‌کنند تا اخلاق و ایمان مردم را ضعیف نمایند. در واقع، هدف اصلی شیطان انسی، دور کردن مردم از مسیر حق و جایگزین کردن ارزش‌های مادی به جای ارزش‌های الهی است. در مقابل این تهدیدها، قرآن کریم راهکارهای روشنی برای پیروزی بر این جریان ارائه داده است. یافته‌های این تحقیق ثابت کرد که برای مقابله با شیطان انسی، جامعه باید به سلاح «بصیرت» و «دشمن‌شناسی» مجهز شود. در عرصه اجتماع، تقویت وحدت و عدالت؛ در عرصه سیاست، انتخاب رهبران صالح و مقاومت در برابر استکبار؛ و در عرصه فرهنگ، ترویج سبک زندگی اسلامی و جهاد تبیین، اصلی‌ترین روش‌های مبارزه هستند. در پایان می‌توان نتیجه گرفت که اگر جامعه اسلامی آگاهی خود را بالا ببرد و از دستورات وحی پیروی کند، فریب‌های شیطان انسی شکست خواهد خورد و سلامت و امنیت به جامعه باز خواهد گشت.



منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۳ق). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۹۹۹). شمس العلوم. دمشق: دار الفکر.
- خامنه‌ای، علی. (۱۴۰۱). تفسیر سوره‌ی براءت. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، علی. (بی‌تا). مجموعه بیانات رهبری، حدیث ولایت [نرم افزار].
- خسروی حسینی، غلامرضا. (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: مرتضوی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار المعرفة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف. بیروت: دار الکتب العربی.
- سلطان علی‌شاه، محمد بن حیدر. (۱۹۸۸). بیان السعادة. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۱۴ق). تفسیر الدر المنثور. بیروت: دار الفکر.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۷). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۹). ترجمه تفسیر مجمع البیان (مترجمان). تهران: فراهانی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). أطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۹۹۹). التفسیر الکبیر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- «پروپاگاندا دو هزار سال پیش چگونه بود؟». (۲۰۲۰). *BBC News* فارسی. بازیابی شده در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۰.